

## فصلنامه پژوهشنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۶

### نقد، بررسی و معرفی منظومه خطی «طوبی»<sup>۱</sup>

دکتر حمیدرضا قانونی<sup>۲</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور نجف آباد

الهام پهلوان صباغ<sup>۳</sup>

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اردستان

#### چکیده

تصحیح و ویرایش نسخه‌های خطی، یکی از بنیادی‌ترین و فنی‌ترین پژوهش‌های ادبی است. نسخه خطی طوبی از نویسنده‌ای نامعلوم به کتابت کاتبی رضوان علی نام است؛ این نسخه به سبب داشتن ویژگی‌های داستانی آن هم با ساختاری منظوم با محتوا و محوریت اشعاری زاهدانه، درخور بازشناسی است. نسخه مذکور از منظری یادآور کلیله و دمنه است و از سویی دیگر یادآور مثنوی مولانا؛ شاعر کوشیده است با اقتباس از آثار داستانی گذشته و آثاری چون مثنوی مولوی در قالب داستان‌هایی منظوم از زبان حیوانات منظومه‌ای نو بسازد. درون مایه اکثر داستان‌های این منظومه زهد، اخلاق، عرفان و تربیت است. روش پژوهش، مطالعه، یادداشت برداری و گردآوری اطلاعات از منابع معتبر کتابخانه‌ای است. هدف این

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۷

۱ تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۹/۹

۲ hrghanooni@pnu.ac.ir

۳ pahlevansabbagh94@gmail.com

تحقیق شناخت و شناساندن منظومه‌ای است که نشان می‌دهد شاعر به طرز و شیوه مولوی علاقه وافر دارد ولی در این شیوه هنوز مبتدی است.

## واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، طوبی، رضوان علی، مثنوی، کلیله و دمنه

### ۱- مقدمه

نسخه‌های خطی از ذخایر گران‌بهای این مرز و بوم و حاوی معارف بزرگان در موضوعات مختلف همچون فلسفه، عرفان، فقه، اصول، طب، ریاضی، نجوم، ادبیات و تاریخ به زبان فارسی و عربی است. استفاده بهینه از این نسخ ارزشمند، نیاز به تصحیح متن آن‌ها دارد که باید با توجه به اصول و شرایطی که بر تصحیح متون حاکم است صورت گیرد؛ در این امر خطیر دقت و رعایت امانت از برجسته‌ترین مهارت‌های دانشی است تا دستاوردهای نویسندگان آن‌ها آن گونه که باید و شاید در اختیار آیندگان قرار گیرند و همگان از وجود این کتب ارزشمند و گران‌بها بهره لازم را ببرند. در باب اهمیت پاسداشت آثار کهن، لزوم نقد و تصحیح متون خطی سخنان فراوانی گفته شده است، مایل هروی می‌گوید: «بر کسی پوشیده نیست که ترقی و تعالی یک جامعه آن گاه مقدور می‌گردد که از پیشینه تاریخ تمدنش آگاه باشد و آنچه را از اسلاف بر جای مانده است با بینش علمی و انتقادی و به دور از هر گونه حبّ و بغض مذموم در اختیار گیرد، نقاط ضعف و علل ناتوانی‌های گذشتگان را دریابد و نقاط قوت و علل توانایی‌های آنان را بجوید» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۷۹).

از این رو هدف از تصحیح آثار ادبی و غیرادبی این است که از روی نسخه‌های خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل یک اثر را به درستی مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی ارائه دهند تا خواننده امروزی بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگرچه اصل

یک اثر را در دست ندارد ولی نسخه‌ای در اختیار دارد که مصنف و مؤلف آن، آن را نوشته و تصنیف کرده است. (ر.ک. زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵۹). احیای این گنجینه‌ها و آثار مکتوب بر جای مانده از بزرگان و دانشوران گذشته یکی از راه‌های آگاهی از پیشینه تاریخ تمدن هر جامعه است. «بر این اساس، توجه به احیا و تصحیح متون علاوه بر روشن شدن بخش‌هایی از تمدن و فرهنگ اسلامی، نمایانگر هویت و حیثیت ایرانی فارسی‌زبانان است.» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۴). نسخه خطی طوبی یکی از این نسخه‌هاست که در ادامه با نگاهی منصفانه و علمی بررسی می‌شود:

#### ۱-۱- مساله پژوهش

آن گونه که گفته شد دانش و فن تصحیح متون، در حقیقت به معلومات و روش‌هایی گفته می‌شود که هدف از تنظیم و به کار بستن آن‌ها در متن، به دست دادن متنی هر چه نزدیک‌تر به متن اصلی و شناخته شده از روزگار مؤلف است که از زیر قلم او خارج شده است (ر.ک. جهانبخش، ۱۳۷۸: ۱۳). نسخه خطی طوبی اثر منظومی در قالب مثنوی و در موضوعات اخلاقی، عرفانی، تربیتی و ... است؛ شاعر در این منظومه پس از بیان داستان‌هایی که غالباً از زبان حیوانات است به موعظه و پند روی می‌آورد. گاهی چنان در این مورد به اطناب و بسط سخن می‌پردازد که رشته سخن را از دست می‌دهد. بدین منظور بعد از بیان هر داستان و مشخص شدن نتایج آن برای خواننده، به پند و نصیحت می‌پردازد یا انسان را از پیمودن مسیر اشتباه و تکرار آن بر حذر می‌دارد؛ یا اینکه انجام عملی را شایسته دانسته و خواننده داستان را به انجام آن دعوت می‌کند. مشخصه اصلی این منظومه در محتوا که در سرتاسر کتاب و در لا به لای داستان‌های آن مشاهده می‌شود، عشق به حق است و نادیده گرفتن هر چه غیر از اوست. در حقیقت موضوع اصلی این مجموعه را می‌توان با معیار و سنجه ادبیات تعلیمی بررسی کرد. پس با نگاهی جامع می‌توان از چند دیدگاه محتوایی، زبانی و ساختاری به این منظومه نگریست.

#### ۱-۲- پرسش‌های پژوهش

- محتوا و درون مایه منظومه طوبی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟
- این اثر تا چه حد در ادبیات داستانی گذشته موفق است؟

### ۱-۳- پیشینه پژوهش

در ادبیات داستانی ایران زمین آثار و منابع فراوانی در قالب مثنوی سروده شده است و در این خصوص نیز مقالات فراوانی نگارش یافته است که یاد کرد آن‌ها از حوصله این مقال بیرون است اما نسخه خطی طوبی تاکنون در هیچ مقاله یا اثری معرفی نشده است و این نخستین بار است که این منظومه در قالب این مقاله معرفی می‌شود. این منظومه در دانشگاه پیام نور استان اصفهان به صورت پایان نامه در حال بازخوانی است.

### ۲- معرفی نسخه، شاعر و کاتب

منظومه خطی طوبی به شماره ۱۱۲۱۵ نسخه‌ای است که در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود؛ از این نسخه در دو اثر دنا و فنخا با شماره ۸۳۲ نام برده شده است. در فنخا در خصوص این نسخه آمده است: «مثنوی است به شیوه پند نامه و منطق الطیر و مصیبت نامه عطار و حکایت از ذوق صوفیانه نویسنده می‌کند» (درایتی، ۱۳۹۰: ۲۲/۲۸۶). سپس آغاز و انجام آمده است و نویسنده در ذکر مشخصات نسخه چنین می‌نویسد: «کاغذ فرنگی، جلد: تیماج قرمز، ۲۹۱ برگ، ۱۳ سطر (۸/۵\*۱۴)، اندازه ۱۴\*۱۹/۵ سم» (همان). در دنا نیز همین نکته‌ها به صورت فشرده‌تر ذیل شماره ۱۸۹۰۱۶ آمده است (رک درایتی، ۱۳۸۹: ۷/۳۷۳).

این نسخه دارای ۵۸۲ صفحه، در ابعاد ۳۰\*۲۰ است. در هر صفحه به طور متوسط ۱۳ بیت جای گرفته است؛ هر صفحه رکابه دارد و در بخش‌های مختلف، اشعار با عناوین آغاز می‌شوند؛ این منظومه در حدود ۷۰۰۰ بیت دارد که به خط شکسته نستعلیق کتابت یافته است. در دو صفحه نخست نشان و مهر حکومت پیشین با تاریخ ۱۳۲۰ دیده می‌شود. در

آغاز منظومه ابتدا نام کتاب به صورت «کتاب طوبی» آمده است سپس «بسم الله الرحمن الرحیم» در زیر عنوان کتاب قرار گرفته است؛ طوبی با این بیت آغاز می‌شود:

نطق جان بشنو ز داستان ساز من      این نوای جان و این آواز من

(رضوان علی، ۱۳۹۵: ۱)

مؤلف سخن خویش را در وصف خداوند به صورت نمادین آغاز می‌کند و می‌گوید:

عالمی پر نور از صوت شه است      جان و دل پر نور زان قرص مه است

(همان)

آن گاه می‌کوشد در ابیاتی به وصف خداوند پردازد و با استعانت از سور قرآنی چون

اخلاص کلام را مزین کند:

«لم یلد» شانی ز شأن جاه او      همچو «لم یولد» امین گاه او

هست هست و نیست غیرش پرتوی      نه کس و نه ناکس و نه چون تویی

(همان: ۲)

شاعر سپس ابیاتی در وصف مقام حمد و ستایش حضرت الوهیت می‌سراید و آن مقام را

برتر از هر مخلوق و موجودی می‌داند.

نویسنده در ادامه پس از ذکر چهل بیت (توجه به عدد چهل به عنوان عدد کمال) نخستین

داستان خود را با عنوان: «حکایت آن جوان تاجر و عاشق شدن او بر آن دختر» آغاز می‌کند؛

این داستان به عنوان نخستین داستان این منظومه از چند جهت قابل تأمل است؛ نخست آن

که گوینده می‌کوشد مولوی وار از ذکر داستان به مقاصد عالی خودسازی برسد؛ دیگر آن که

نویسنده کوشیده است در شیوه داستان پردازی، داستان خویش را به سبک و سیاق

داستان‌های هفت پیکر نظامی بازگو کند؛ سوم آن که می‌توان تأثیر داستان‌هایی چون

داستان‌های مقامات حریری را در آن دید.

در هر صورت شاعر پس از این داستان به صورت زنجیره‌وار، داستان‌های دیگری را

بازگو می‌کند که پس از مطالعه آن‌ها می‌توان به نوع و نگاه شاعر به ادبیات کهن دست یافت. این منظومه پس از حدود هفت هزار بیت، چنین پایان می‌یابد:

جمله الوانیم و الوان جمال      رنگ جانیم و ز خم لایزال

(همان: ۵۸۲)

پس از ابیات پایانی، متنی کوتاه به تاریخ کتابت مجموعه یعنی ۱۲ جمادی‌الاول سال ۱۳۰۶ هجری قمری با عنوان کتابتی «رضوان علی» آمده است (نیز ر.ک. درایتی، ۱۳۹۰: ۲۲/۲۸۶). وزن منظومه فاعلاتن و بحر آن رمل مسدس است و این موضوع در کنار شیوه داستان سرایی و رویه شاعر در داستان پردازی حکایت از علاقه وافر شاعر به مثنوی معنوی مولوی دارد.

در بررسی‌ها و مطالعات نسخه‌شناسی، اطلاعاتی درباره شاعر این منظومه به دست نیامد. با این حال با مطالعه نسخه مشخص می‌شود وی با آثار ادبی آشناست و اطلاعاتی از علوم مختلف چون تاریخ و جغرافیا و دیگر علوم دارد. وی می‌کوشد تا این اندیشه‌ها را در ابیات خویش بیان کند. تنها احتمالی که می‌توان مطرح کرد این است که گویا شاعر اصفهانی باشد. این نکته را از بیتی می‌نوان مستفاد کرد که به رودخانه این شهر با نام قدیم اشاره دارد:

این نه چاه زمزم و رود جی است      این نه جای شاه و نه تخت کی است

(رضوان علی: ۳)

اما کاتب نیز چون شاعر ناشناس است و تنها نامی که از خود می‌برد رضوان علی است؛ کتابت منظومه ایرادهایی املائی و وزنی دارد به گونه‌ای که به‌سختی می‌توان تشخیص داد که این نقص شاعر است یا خبط کاتب. البته در موارد فراوان می‌توان گفت کاتب به درستی از عهده کتابت بر نیامده است؛ از این رو یا سواد کتابت نداشته است یا نسخه املا می‌شده است و وی می‌نوشته است. در متن نسخه ابیاتی دیده می‌شود که کاتب آن‌ها را خط زده و با اعمال سلیقه خود، واژگان، عبارات یا ابیاتی دیگر را جایگزین آن‌ها کرده است، به این

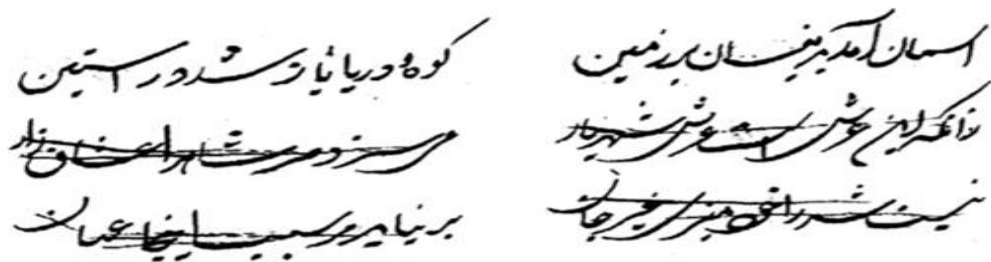
نمونه‌ها دقت کنید:

میدهم آن کجی کجیم رو است      ز آنکه او زیبا و عتبار به است  
(همان: ۱۰)

ماه جمعه تو خورشید شهنشهر      مهر تویی تو منبر فرس کج  
نور تو ازین هوشه نورانی است      مبعده خورشید بر طبعها است  
طور او چنان ز مهر امر او      مهر او نابان ز نار جهر او  
(همان: ۳۳)

اشر است این لو تو خون اشر است      نار کانون است و لعل ز غم است  
ایز او اراج و غم او هلاک است      جذبه ازار حق سجلا است  
این میاه جان و این آب نلال      این لیلان لعل و در آیه مثال  
(همان: ۴۵)

ان نزال جان وان جان است      ان بیمارکان و کان خوشتر است  
چون بغیر بگرفت ان جور است      شد در اشر تازد و غم چون است  
در بغیر بگرفت ان خر گوشرا      اهوران دشت و جام نوشرا  
(همان: ۴۸)



اسمان آمد بر زمین  
تا آنکه از غمش سرش بر زمین  
نیشش را ز غم بر زمین فرستاد  
کوه دریا نیاورد در آستین  
سوز و صدمت بر آستان  
بر نیاید بر کسب ایضا عماد  
(همان: ۱۱۱)

## ۲-۱- ویژگی‌های نسخه (زبانی، خوانشی و وزنی)

نسخه خطی طوبی در نگارش و رسم الخط همان ویژگی‌های نسخه‌های مکتوب این عصر را دارد؛ با این حال در ادامه به ایجاز به برخی از کاربردهای نامتعارف نسخه که در سنخ نگارش و رسم الخط نمی‌گنجد، اشاره می‌شود:

- آوردن «های» بیان حرکت هنگام جمع بستن یا صفت نسبی ساختن:

گفت رو ای خواجه خانه خواجهگان      در نشین آنجا به پیش آزاده گان

(همان: ۲۶)

این فلوس خواجه گی و خواجه است      نی قبول مرد ره بنهاده است

(همان: ۲۸)

- استعمال نادرست شکل برخی از افعال (اغلاط کتابتی) و نادرست نویسی املائی در

برخی از واژگان (اغلاط املائی)

چون بدید آن خواجه خود آن حال را      و آن نواخانی و آن احوال را

(همان: ۴۷)

هر چه گویم بیش از این است این سخن      باش خواموش از لب و خود دم مزین

(همان: ۲)

- تخفیف در واژگان به ضرورت وزن:

اشکلی نبود مرا زین دیر غم      خود ستوده نورم آمد زین رقم



(همان: ۳۰)

خود نبنمودم جدل با وی به جان چون نبودی بس خبر زان مرغ دان

(همان: ۲۱۸)

که به ترتیب «اشکالی»، «دانا» ملاک شاعر بوده است.

- آوردن «ه» بیان حرکت به جای نقش نمای اضافه:

این عجوزه راه و این پیره زن است صاحب اطوار و طنز پر فن است

(همان: ۲۱)

- کاربرد نادرست واژگان در تنگنای قافیه و غیر آن:

خرده خرده آن جوان از راه سوز نرم نرمک گریه کردی از نفوز

(همان: ۳۸)

## ۲-۲- مذهب شاعر منظومه

شاعر شخصی شیعی مذهب است. وی در ذیل برخی حکایات به بعضی اعتقادات شیعی خویش اشاره کرده است. شیوه نگارش این گونه اشارات در نسخه یاد شده، می تواند نشان دهنده تمایلات کاتب به مذهب شیعه نیز باشد و می توان نتیجه گرفت که کاتب در اشارات شیعی مؤلف دخل و تصرفی نکرده است و خود نیز به این اشارات باور دارد. شاعر در بیتی به ولایت علی (ع) اشاره دارد:

طوبی من از دهور و سرمد است طوبی من از علی و احمد است

(همان: ۹۰)

سپس در ابیاتی با عنوان «در تأسف و ندامت» به صورت رمزآمیز با گزینش واژه «شه» یا «شاه» به داستان امام حسین (ع) اشاره کرده و بر این واقعه حسرت می خورد:

ای دریغ از مکه و عرف و منی ای دریغ از زمزم و مرو و صفا

ای دریغ از آن قتیل کربلا ای دریغ از آن شهید نینوا

(همان: ۱۴۳)

### ۳- طوبی، درون مایه و اعتبار ادبی آن

آثار ادبی و به خصوص نسخه‌ها فی النفسه دارای ارزش و اهمیت اند. منظومه طوبی از چند جهت ارزش و اعتبار دارد. نخست آن که گوینده به دنبال حفظ و احیای اندیشه‌ها و افکار زاهدانه و عارفانه است؛ از این رو می‌کوشد کلامش را به سبک و سیاق حدیقه پیرورد. دیگر آن که می‌کوشد مضامین بلند عرفانی و متصوفانه را در قالب مثنوی بریزد و با جوهره داستان و تمثیل به خواننده اهدا و القا کند؛ بی شک گوینده با آثار فاخر ادبی چون مثنوی مولوی، کلیله و دمنه، منطق الطیر، مصیبت‌نامه و آثار شاعرانی چون سعدی، نظامی، جامی و... آشنایی داشته است. اما به نظر می‌رسد اثر او را بتوان تلفیقی از دو اثر مثنوی مولانا و کلیله نصرالله منشی دانست.

نخستین بخش این اثر تحمیدیه‌ای است که ۴۰ بیت دارد و در ۴ صفحه سروده شده است؛ شاعر در آغاز مانند دیوان اشعار بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسی زبان، با بهره‌گیری از سخن پیامبر که فرمود: «هر کاری با نام خدا آغاز نشود، ابتر است» به نظم می‌پردازد؛ وی در ابیاتی از حکایت‌های مختلف متن، از عنوان کتاب یاد می‌کند که این مطلب در شعر «فی الذکر لیلہ القدر» بسیار برجسته است. وی در این شعر به خصوصیات چون جان جانان بودن، عقل و جان داشتن، عشق لایزال، بلبل باغ عشق خداوندی، از ازل تابنده بودن و تا ابد پاینده بودن، جان فزا بودن و مهر شاهنشاه خداوندی را داشتن و غیره... اشاره می‌کند و در مورد اثرش می‌گوید:

پتک و سندان است و خود چون جوشنی است  
طوبی من کان دُر و گوهر است  
طوبی من طور رخشانی است او  
طوبی من صوت غم از دل برد

طوبی من جو که این خود روشنی است  
طوبی من گنج جان و جوهر است  
طوبی من نور فارانی است او  
طوبی من غم ز جان‌ها بسترد

طوبی من عقل و هم جان است او      طوبی من جان جانان است او  
(همان، ۹۱-۸۹)

از همین نکته مشخص می‌شود که شاعر منظومه خود را طوبی می‌نامد و طوبی درختی است بهشتی که به هر خانه آن شاخی از آن باشد و میوه‌های گونه‌گون و خوش‌بو از آن می‌روید.

همان‌گونه که اشاره شد در این مثنوی داستان‌هایی پی‌در پی بیان می‌شود. با بررسی محتوای اثر می‌توان موضوعات داستانی را از جنبه‌های مختلف دسته‌بندی و بررسی کرد و ذیل هر بخش عنوان داستان‌های مرتبط با آن بخش را دید:

۱- داستان‌هایی با درون مایه عاشقانه - زاهدانه همچون: حکایت آن جوان و عاشق شدن او بر آن دختر.

۲- داستان‌های با درون مایه پند و اندرز مانند حکایت آن جوان و عاشق شدن او بر آن دختر، حکایت آن عقرب و سنگ پشت و با هم دوستی نمودن، اندر خواندن بلبل بر شاخ گلی، حکایت آن سیاه‌گوش و شیر و مواعظ او مر شیر را، حکایت آن دو استاد، باز گفتن شغال مثل بوزینه و خوک را، بازگفتن شغال قصه آن مرد را، حکایت آن صیاد و آهو، حکایت آن مرد بازرگان و زن او، حکایت مرد عابد و گاو میش، حکایت آن زاغ و کبک، حکایت خرگوش و گرگ، آغاز در چگونگی حال، حکایت آن سلطان و پاسبانی بوزینه.

۳- داستان‌هایی با درون مایه اجتماعی نظیر حکایت آن مرد مفلس و زن او، حکایت آن مرد زاهد و گوسفند، حکایت آن مرد بازرگان و زن او، حکایت آن سیاه‌گوش و شیر و مواعظ او مر شیر را، حکایت آن سلطان و پاسبانی بوزینه.

۴- داستان‌هایی با درون مایه قرآنی و آسمانی چون: شعر فی الذکر لیل‌القدر، حکایت آن مرد بازرگان و زن او، حکایت آن دو استاد، حکایت مرد عابد و گاو میش، حکایت آن مرد عرب و نانوا.

۵- داستان‌هایی با درون مایه حسرت و پشیمانی (عبرت‌آموزی و نصیحت‌گرایی) در منظومه طوبی داستان‌هایی از کتاب کلیله و دمنه نصرالله منشی آورده شده است و شاعر کوشیده است تقریباً به تمام داستان‌ها در کنار پند و نصیحت چاشنی عرفانی بیفزاید. مثلاً در داستان «دوستی لاک‌پشت و خرچنگ» نفس آدمی را چون خرچنگ می‌بیند و روح را لاک‌پشت و دوستی آن دو را محال می‌داند. این نگرش سمبلیک و رمزگرایانه به داستان، داستان را خواندنی می‌کند. وی در ادامه این داستان، دلیل آسیب به روح را بی‌توجهی و ناآگاهی انسان از نتیجه این دوستی برمی‌شمرد؛ در داستان «مرد بازرگان و زن او» شاعر با چاشنی زهد و عرفان گذر عمر و دنیای ناپایدار را بی‌وفا می‌خواند و دل بستن به آن را اشتباه و تنها راه فرار از آن را پیوستن به انسان عاشق و دل‌سوخته (پیر) و پیروی از او می‌داند. وی این شیوه را در سایر داستان‌های مشابه نیز دنبال می‌کند.

شاعر در داستان «حکایت آن مرد زاهد و گوسفند» که داستانی مشهور از داستان‌های کلیله و دمنه است به داستان مثنوی مولانا در دفتر سوم (مثال رنجور شدن آدمی به وهم) نیز اشاره دارد و می‌کوشد همچون مولانا از داستان‌ها نتایج اخلاقی و عرفانی بگیرد. از این رو شیوه او گاهی یادآور سبک مولاناست:

گل ربا از گلشن این دشت خار	دار رخشان لعل لب زان جام یار
زشت و زیبا هر دو در این جنت است	خار ما با گل ز باغ طلعت است
طلعت ما مستنیر از آن مه است	وجهت خور نور افشان از شه است
مهر و مه رخشان از آن گوهر بود	نور شه تابان و افزون‌تر بود
زانکه جولان آمد آن درد کهن	می ندانم گفت و خود ناید سخن

(همان: ۸۰)

۴- بررسی ویژگی‌های سبکی و زبانی اثر

در مورد ویژگی‌های سبکی اثر سخن بسیار می‌توان گفت. از آن جا که این اثر نظم و به

صورت داستانی است، نمونه‌های فراوانی از مختصات سبکی دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۴-۱- ویژگی‌های زبانی:

زبان منظومه ویژگی‌های سبک خراسانی را دارد. برخی از این مشخصات که بازمانده دوران تثبیت زبان فارسی دری است در ادامه می‌آید. روشن است که این ویژگی‌ها از دو طریق در این اثر پرکاربرد است: نخست اصرار مؤلف برای همسویی با متون گذشته و دوم تأثیر زبان دوران تثبیت بر ذهن مؤلف:

- فعل امر «آ» به جای «بیا»

می نباشد مر مرا طاقت ز هجر      بر فراز آ که بشد هنگام فجر

(همان: ۲۴۷)

اندرآ اینجا و خود آن ره مپوی      تا نیفتی خود میان آب جوی

(همان: ۲۵۷)

- آوردن «ب» بر سر فعل ماضی (آنچه برخی بای زینت یا تاکید می‌نامند)

گفت نیکو ره گزید از جمع عام      خود برفتی سوی صحرا گام گام

(همان: ۱۵۰)

خود بگفتی مرد نیک ارجمند      گر به من امروز تو رانی سمند

(همان: ۲۲۸)

- افعال پیشوندی

باز گفتی گربه‌اش کای ناتوان      بازگو آن قصه جان را عیان

(همان: ۲۲۶)

بازگفتی کبک کین قاضی گریست      رندکی گفتی که این هنگامه چیست

(همان)

- نشانه فعل نهی چون گذشته به جای «ن»، «م» است:

رخ متابید از حق و ره مسپرید      تخم کین و ظلم را خود در برید  
(همان: ۲۲۵)

پس به این عمری که باشد او فنا      بر مبنید اعتمادی از بقا  
(همان: ۲۲۹)

اندرآ اینجا و خود آن ره مپوی      تا نیفتی خود میان آب جوی  
(همان: ۲۵۷)

- تقدّم «می» استمراری بر نون نفی  
می‌نشاید این چنین زهدی مدام      پس دگر این فعل شوم از نفس خام  
(همان: ۲۳۰)

خود جهت را می‌نپندارند هیچ      مانده‌اند از راه در این خمّ و پیچ  
(همان: ۲۳۲)

- آوردن نشانه «همی» به جای «می»  
من همی گویم شما را از خرد      که عمل گر نیک آید از ابد  
(همان: ۲۲۹)

خود همی خواهم که ز استیلای کار      قتل آرم آن ولی کردگار  
(همان: ۲۴۳)

من همی دانم که جوع آن امیر      ز التهاب نار خود گشتی اسیر  
(همان: ۲۴۸)

برخی ویژگی‌های زبانی دیگر (واژگان و دستور)

- استفاده از لغات عربی

کاربرد تعداد واژگان عربی نسبتاً نادر و گاه شاذ که مورد استفاده شاعر است، نشان از

آشنایی او با زبان عربی دارد؛ استفاده شاعر از لغات عربی و کاربرد این کلمات در حد نسبتاً بالایی است. گاه این استفاده در بعضی از صفحات به ده واژه نیز می‌رسد.

نیست ما را غیر او چشمه مراد      بی سن و عکر است این عین و داد  
(همان: ۱۲۲)

جملگی ذبان و خود نفس ذباب      جمله نار و ظلمت و غیم و ضباب  
(همان: ۱۳۷)

- استفاده از واژگانی که تاکنون معنایی در این ابیات برای آن‌ها یافت نشده است:  
بی درنگت جان خود در باختی      رفته از این راه و خود در راختی  
(همان: ۳۲)

قول باقی ماند و فعلم رفت رفت      نفس بر جا ماند و عقلم رخت رخت  
(همان: ۱۱۹)

از لقای عشق شه جانم گداخت      برشد این جان از دل خود پس براخت  
(همان: ۱۲۸)

کوه و دریا را گریدم خود به جان      می ندیدم افقر از خود ای جوان  
(همان: ۱۳۸)

- کاربرد افعال در قالب‌های کهن (آرکاییک)

که بگفتندی حکیمان نژاد      خود مخور بسیار از این خوان و زاد  
(همان: ۲۱۲)

پس شوندی دشمنت از این فعال      لایزل غیبت کنندت بی مجال  
(همان: ۲۰۶)

- کاربرد افعال بر خلاف قیاس (دستوری)

هم بدیدم آن فن و بنیو ختم      از درون خویش بر خود دو ختم  
(همان: ۱۸)

گیر ای جان پند و مفکن خویش را      در میان دام ناخور نیش را  
(همان: ۶۵)

برجه از این دام و خود را وارهان      ناخور این حلوا و این خشک استخوان  
(همان: ۱۴۶)

شاهد در استفاده از کلمه «بنيوختم» به جای «بياموختم» و کلمه «ناخور» به جای «نخور».

#### ۴-۲- ویژگی‌های فکری:

عرفان محوریت اصلی اکثر اشعار است. این عرفان بیشتر نزدیک به شرع و اخلاق است و گاهی رنگ و بوی عاشقانه نیز به خود می‌گیرد. در طریقه عرفانی مباحث پند و نصیحت و موعظه نیز زیاد است. شاید بتوان از عرفان شاعر تعبیر به زهد کرد. به هر روی این بن‌مایه در منظومه پراکنده است و بسامد بالایی دارد.

محتوای اشعار این منظومه از نوع ادب تعلیمی هستند و قالب نیز مثنوی است و این درون‌مایه و شکل، بسیار مورد توجه ناظم است؛ از این رو بیشتر ابیات و مضامین اصلی در ستایش خدا و ترک دنیا، موعظه و حکمت است:

از ازل باشد منزّه زین صفات      وز ابد باشد مبری زین سمات  
مقتدی باشد از این سودا و حال      منجلی باشد ز کیف و کم و قال  
از جهات و از کم و کیف زمان      خود مقدس باشد آن شاه جهان

چنانکه مشاهده می‌شود این اشعار معنی‌گرا و اخلاقی هستند: (همان: ۱۱۳)

جز نقل داستان‌ها، هر جا فرصتی دست دهد، شاعر به بیان مباحث عرفانی و نفسانی

می‌پردازد:

نفس ما و روح ما و جسم ما      جملگی یک ذات و آن از ماسوی  
هر یکی نفسی ز نفس دیگرند      جملگی حاکی ز چهر دلبرند  
هر یکی نفس کمال است و جمال      جملگی حاکی ز نفس ذوالجلال



(همان: ۱۱۷)

- تلمیح و اشارات قرآنی و دینی:

شاعر در نسخه به آیات و داستان‌های قرآن اشاره دارد اما آنچه بیشتر مورد توجه او بوده است داستان حضرت موسی (ع) و اشاره به وقایع زندگی آن حضرت است. مثل شکافته شدن دریا، درخواست موسی برای دیدن خداوند و «لَنْ تَرَانِي» گفتن حضرت حق که «هرگز مرا نخواهی دید» اصرار موسی و اشاره به آیه «خَرَّ مُوسَى صَعِقًا» (اعراف، ۱۳۹) و نیز اشعاری در بیان معراج حضرت رسول اکرم (ص) و سفر آن حضرت به عرش اعلی و دیدار با حضرت حق و این موضوع خود از دیگر ارزش‌های نسخه محسوب می‌شود:

موسی آسا جمله در آن بحر جان      منصعق گردند زان نار عیان

(همان: ۶۲)

طور دل رخشید از نخل عما      قمص جان تایید بر طور بقا

(همان: ۱۲۸)

لن ترانی بشنود از نفس یار      بس ترانی خود شود آنجا به بار

(همان: ۲۱۶)

وانگهی معراج و طوبی از جمال      سدره و اقصا و احمد با جلال

(همان)

- استفاده محدود از تمثیل در ساخت معنوی شعر؛ مثلاً شاعر در بخشی از منظومه، حضرت حق را خورشید جان بخش و آب زندگانی می‌داند که جان‌ها در جذبۀ حضور او جان می‌گیرند و از غل و غش زمان پاک می‌شوند:

قمص شه تایید بر کنه ذوات      مشترق گردید اسماء و صفات

ممتلی گردید جان‌ها ز آن میاه      آن میاه عاری از خاشاک راه

آن میاه خالی از کیف و مثل      و آن میاه صافی از غش و دغل

آن میاه جاری از لعل نگار      و آن میاه صافی از اغیار و غار  
(همان: ۱۲۶)

- استغناى الهی و روی گردانی از غیر، از مشخصه‌های فکری مؤلف در نظم اثر است. شاعر عشق را تنها عشق به معبود می‌شناسد و از این دیدگاه عشق مجازی جز غفلت از یاد معشوق حقیقی و فراموش کردن او چیز دیگری نیست. در واقع یاد خداوند و رجوع به فطرت الهی قلب را زنده می‌سازد و به انسان آرامش و اطمینان می‌بخشد:

از ازل مه‌رت به دل‌ها برنشست      وز ابد این رشته‌ها با هم بیست  
غیر تو ناید به دل ای اوستاد      دون تو نبود دیر و پیر راد  
تو منیری و همه نور تو اند      رشک نوری و همه حور تو اند  
(همان: ۱۲۰)

#### ۴-۳- سطح ادبی منظومه

شاعر در مثنوی طوبی توجه کاملی به صنایع بدیعی و بلاغت - اعم از لفظی و معنوی - داشته است اما آنچه بیشتر مورد توجه شاعر قرار گرفته است، استفاده از آرایه تضاد یا طباق، انواع جناس و مراعات نظیر است. صنعتی که کمتر مورد توجه شاعر است، صنعت تمثیل و کنایه است. در ادامه در دو بخش به برخی از این آرایه‌ها اشاره می‌شود:

#### ۴-۳-۱- کاربرد انواع جناس

جناس تام

آن است که دو کلمه در بیتی بیاید در خط و تلفظ یکسان باشند اما دو معنی متفاوت داشته باشند:

در تغنی آی و دم بر چنگ زن      چنگ بر چنگ دل و فرهنگ زن  
(همان: ۱۶)

شاهد در کلمه «چنگ» است که در مورد اول به معنی پنجه و در دیگری به معنی یکی از

آلات موسیقی است.

عاقبت بهرام در گور اوفتاد از شکار گور جانس خود بداد

(همان: ۶۷)

شاهد در کلمه «گور» است که در مورد اول، به معنای قبر و در دومین همان حیوان مشهور است.

- جناس ناقص حرکتی

یکسانی دو یا چند واژه در صامت‌ها و اختلاف آن‌ها در مصوت‌های کوتاه است این تکرار صامت‌ها، موسیقی درونی پدید می‌آورد:

صد هزاران دُر در این کان دُر است بحرهای دُرّ و طَمَطام پر است

(همان: ۲)

می‌کنی خود ادعای دوستی می‌کنی از جان جانم پوستی

(همان: ۶۶)

- جناس اشتقاق

از هم‌ریشه بودن واژه‌ها برمی‌خیزد، به شرطی که واج‌های یکسان در آن نمودار باشند:

نقره بر ناقور زد نَقّار راد نفخه‌های قدس آمد خود به یاد

(همان: ۷۹)

معرفت جوی و به وجدان آی و بس در وجود و وجد و وجدان کوش و بس

(هما: ۵۸)

- جناس زاید که یکی از دو رکن جناس، حرفی بیش‌تر از دیگری داشته باشد:

باز زن چنگ و نفیر و نای و نی تا کنی این [مردگان] از آب حی

(همان: ۱۶)

اندر آ ای شاه و ای راه دلم ای سهیل جان و سهل و مشکلم

(همان: ۳۷)

۴-۳-۲- موازنه: تقابل سجع‌های متوازن (یکسانی کلمه‌های دو مصراع یا دو جمله در وزن):

نیست غفلت بلکه این آزادی است      نیست همی بلکه این خود شادی است

(همان: ۲۲) (همان: ۴۹)

می نشاید مر تو را غم و وداد      می نیاید مر تو را شادی و داد

(همان: ۳۴)

۴-۳-۳- ترصیع

آن است که واژگان مصراعی با مصراع دیگر یا جمله‌ای با جمله دیگر، در وزن (هجای یا

بخش) و حروف پایانی یکسان باشند (تقابل سجع‌های متوازی):

آنکه از قنطار خوردی الف و صد      وانکه از آلف بردی عد و حد

(همان: ۲۳)

نقش تو بینیم و نه نقش غیور      وصل تو خواهیم و نه حور و قصور

(همان: ۳۶)

۴-۳-۴- استفاده از صنایع معنوی:

مراعات نظیر

مراعات نظیر یا تناسب: آوردن واژگانی از یک دسته از نظر جنس، نوع، مکان، زمان و یا

همراهی است. مراعات نظیر سبب تداعی معانی است.

هم به همره برد خود گنجی عظیم      جامه‌ای با کیسه‌ای از زر و سیم

(همان: ۲۸)

در بغل بگرفت آن خرگوش را      آهوی آن دشت و جام نوش را

(همان: ۴۸)

واج آرایی

واج آرایی تکرار یک یا چند واج (صامت یا مصوت) در شعر یا در نثر است، به گونه‌ای

که آفریننده موسیقی درونی باشد و بر تأثیر شعر بیفزاید. تکرار واج «ش» و «ن» در ابیات زیر:

آب لعلش شهد و شیرین خوشگوار      شکرش تنگ و دهانش مشکبار  
(همان: ۵)

باز زن چنگ و نفیر و نای و نی      تا کنی این [مردگان] را ز آب حی  
(همان: ۱۶)

-تضاد یا طباق: آوردن دو کلمه متضاد در سخن به گونه‌ای که سبب زیبایی کلام گردد.  
صد هزاران نفس در این دام شد      پخته‌هایی چند در این خام شد  
(همان: ۲۳)

گر هزاران نیش آید بیش و کم      مر مرا ناید غم و ناید الم  
(همان: ۶۶)

- تلمیح: از جمله صنایع معنوی بدیع است که در آن نویسنده یا گوینده در ضمن نوشتار یا گفتار خودش به آیه، حدیث، داستان، یا مثل معروفی اشاره داشته باشد.

برجهید آن نور و بر سینا نشست      جام ربانی به ما آمد به دست  
(همان: ۵۴)

دست او دست است و دست ما نه هیچ      سر متاب ای ماه و از این ره پیچ  
(همان: ۵۵)

که به ترتیب اشاره دارد به داستان ملاقات حضرت موسی (ع) با خداوند در کوه طور و آیه «يَدَاللهُ فَوْقَ اَيْدِيكُمْ» و به آیه شریفه «جَفَّ الْقَلَمُ بَمَا هُوَ كَائِنٌ».

-تشبیه:

چشم او چون نرگس شهلاستی      صورتش چون بدر و خود زیباستی  
(همان: ۵)

عقربی گشتی به کشفی آشنا      از ره اخلاص و از صدق و صفا

(همان: ۶۳)

- اضافه تشبیهی

اضافه تشبیهی تشبیه بلیغی است که معمولاً مضاف، مشبّه به و مضاف‌الیه، مشبه است.

ابر جان بگریست در این نوبهار طوطی دل بر پرید از روزگار

(همان: ۵۴)

خواب غفلت آمده این گول را این غبی النفس این مجهول را

(همان: ۶۴)

- استعاره:

عادت جانی جانان است این سنّت این شاخ مرجان است این

(همان: ۶۷)

بیت دارای استعاره مصرحه است، مشبّه به که همان شاخ مرجان است بیان شده و نیش

عقرب که مشبه است حذف شده است.

دهر او را خود بیفشارد به گاز می نباشد او به جانش سر فراز

(همان: ۲۵۹)

استعاره از نوع مکنیه است.

- کنایه:

رفته‌رفته آب ما از سر برفت جان و دل از این نوا شد در شگفت

(همان: ۱۵)

شاهد در مصراع اول، کنایه فعلی «آب از سر رفتن» است که کنایه از «کار از کار

گذشتن» است.

باز گردی از دل و دل خرده شد خوار گردی در دل و دل مرده شد

(همان: ۴۳)

شاهد در استفاده از کلمات «دل خرده شد»، «دل مرده شد» و «خوار گردی در دل» به ترتیب در معنای «غمگین شد»، «افسرده شد» و «کوچک و حقیر شد» است.

۵- نمونه‌هایی از صفحات نسخه

تصویر صفحه نخست نسخه



کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحيم و بسم تعین

نطق جان بشنودستان سارین	این نوار جان و این آواز من
جان جهان است و سخن از جان	دژ من کن که سخن از جان او
عالم بر نور از همت شه است	جان ددل بر نور از آن قصه است
سازش بر اغمخ جان است	این فنون جان آفاقان خوان است
شاهد است این سخن خود دان کرد	صدم هزاران دهر سلاخه او استاد
همه چیز بر سر هر علم از زمان	وز از لها و ابرها جمله کان
موجود است و هر بیون را و	بی سزایک او منسریه مانند او
مبدع هر جان در او استخوان است	منشی هر زشت و زیبا در او است
فرهنگ کتابه شبیه و منسرا و	حسروانا به نظیر و عدل او

تصویر صفحه آغازین متن



۵۳۰

جمله الوانیم والوان جمال

زنکت جانیم وز تخم لایزال

کتابه اکبر الباسر مستبر رضوان علی یازن الله لملک الوالی کفی وفرغ تسبیح

فرصت است الثانی و عشرین شهر جم الاول فرست استه و ثلثه بعد الا

من الهجرة النبویه علیه الاف الثناء والتحیتة و من شهر البیان شهر العلاء

فرستة الاربعین ادم الله فضله علينا بفضله هذا الشهر و رفع عننا كل الاء

والبلاد باسمه القیوم المستغاث و یستقیمنا فردین الامتناع و یصرنا باسمه

التضرار الفتاح سبحانه بیده الاول والاخر والباله من نظامه وانه لیس من نعمه

و المرتفع القادر الظاهر المقدر وانه لاله الامور رب العظمة رب البها و القضا

المین

رب

یا رحمن یا رحیم یا معین



## نتیجه

کتاب طوبی از نسخه‌های خطی منحصر به فرد کتابخانه ملی است. گوینده این منظومه نامعلوم است. کاتب شخصی به نام رضوان علی است. این منظومه در حقیقت مجموعه‌ای از داستان‌های قدیم ایرانی و گاه قرآنی است که منشا بسیاری از آن‌ها قرآن و کتاب‌های داستانی قدیم چون کلیله و دمنه است. مؤلف اثر، به مولوی و مثنوی او علاقه وافر دارد. وی این اثر را به تبعیت از مولانا در بحر و وزن مثنوی سروده است. شاعر می‌کوشد تا در نقل داستان‌ها، رنگ و بویی عرفانی به داستان‌ها ببخشد. از این رو وی به داستان‌های پیامبران بسیار دل‌بستگی دارد و به فراخور حال و مقام داستان، گریزهای تاریخی به داستان‌های آنان می‌زند و حوادث زندگی آنان را در کنار داستان‌ها ذکر می‌کند. از این رو در بسامد آرایه‌ها، آرایه‌ای چون تلمیح بیشترین آرایه کاربردی در این منظومه است. به طور کلی داستان‌های این منظومه در پنج گروه جای می‌گیرند که در متن آمده است. با این حال داستان‌ها در گیر و دار نصایح افراطی شاعر رنگ می‌بازند و با تأویل‌ها و تفسیرهایی از نزد شاعر رنگی دیگر به خود می‌گیرند. از دیدگاه ساختار زبانی نیز باید گفت شاعر در تصنیف خود کوشیده است تا از زبان گذشتگان و رویه زبانی آنان بهره جوید تا اثر خویش را مقبول طبع عام کند، از این رو از کاربردهای قدیم زبان بسیار استفاده کرده است.

## منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- جهانبخش، جويا. (۱۳۷۸). راهنمای تصحیح متون. تهران: میراث مکتوب.
- ۳- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- ۴- ----- (۱۳۸۹). فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا). تهران: کتابخانه موزه و مرکز مجلس شورای اسلامی ایران.
- ۵- رضوان علی. (۱۳۰۶). کتاب طوبی. نسخه خطی کتابخانه ملی. تهران.
- ۶- ---- (۱۳۹۴). تصحیح نسخه خطی کتاب طوبی. زهرا مرادیان پور. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور. به راهنمایی حمیدرضا قانونی. نجف آباد.
- ۷- مایل هروی، نجیب، (۱۳۶۹) نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه شناسی و ...). مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۸- یلمه‌ها، احمدرضا، (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره نهم، ص ۱۶۲-۱۳۹.